



جشنواره‌ها تأثیری در فروش کتاب ندارد
گفت‌وگو باسجاد خالقی، نویسنده کتاب «مه و دود» که اثر او موضوع پوشش‌های کتابخوانی شده‌است

۱۰

۴چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۱۴۰۲شوال ۱۴۴۴ • سال سی‌ویکم • شماره ۸۷۶۴

الکترونیک‌ی شدن عقدنامه‌ها بعد از ۹۰سال
پس از حدود ۹۰سال ثبت عقد و طلاق به‌صورت سنتی، اکنون به‌صورت رسمی نخستین سند الکترونیک‌ا دواج صادر شده‌است

۱۲



همیشه برای زندگی



طرح پیام غم‌ریز

مروری بر سبک زندگی مرحوم حاج عبدالله والی، مؤسس اردوهای جهادی به روایت همسرش

مردی که لبخند می‌ساخت و امید می‌داد

شهره کیانوش‌راد گزارش روزنامه‌نگار

بشاگرد، منطقه‌ای محروم در استان هرمزگان، سرزمین ناشناخته‌ای بود که نامش با حضور مردی جهادگر بر سر زبان‌ها افتاد. او آغازگر حرکتی شد تا گروه‌های داوطلب و جهادی برای کمک به مردم این منطقه، تشکیل شود. مرحوم حاج عبدالله والی را می‌توان مؤسس

۱۹سالم بود که ازدواج کردم؛ از همان دل در کارهای خیر پیشقدم بود. حاج آقا، در بانک صادرات شسافل بود اما بعد از پایان ساعت کاری در خیریه مشغول به کار می‌شد تا بتواند با کمک خیران هزینه‌ها بپردازد. خرج زندگی و تهیه لوازم برای نیازمندان و ایتمار با فراهم کند. هر کاری که از دستش برمی‌آمد برای کمک به محرومان انجام می‌داد. با اینکه بعد از ساعت کاری، به خیریه می‌رفت اما هیچ‌گاه از حضور در خیریه و انجام کار خیر اظهار خستگی نمی‌کرد. با شناختی که از او داشتم برایم عجیب نبود وقتی متوجه شدم می‌خواهد برای کمک به بشاگرد پیشقدم شود. البته در آن زمان هنوز درساره محرومیت این منطقه چیز زیادی نمی‌دانستم.

حاج‌آقا، نام بشاگرد را از آقای عسگراولادی شنیده بود. به‌شمارهٔ ۲۰۰۰ پیش‌شروع شد تا او ایام عید سال ۶۱ به بشاگرد برود. طبیعی بود که کمی ناراحت شوم که ایام عید ما را تنها گذاشتند، اما با روحیه‌ای که از او سراغ داشتم می‌دانستم که هدف بزرگی دارد. بعدها اطمینان پیدا کردم که دست تقدیر حاجی را به بشاگرد کشانده‌است تا در کنار این مردم زندگی کند. از نوروز سال ۱۳۶۱ وقتی حاج عبدالله از محرومیت منطقه بشاگرد مطلع شد و به این منطقه رفت تا ۲۳سال بعد در مسیری جهادی قدم برداشت، سختی‌های بسیاری در راه او قرار داشت، اما او به راهی که انتخاب کرده بود ایمان داشت.

جهاد در جبهه بشاگرد

حاج عبدالله والی قبل از شروع جنگ تعمیلی در درگیری‌های کردستان و مقابله با حزب کومله حضور داشت. وقتی با بشاگرد آشنا شد، نگران بود که نکند به حضور او در جبهه بیشتر نیاز باشد تا بشاگرد. زمانی که میان ماندن در بشاگرد و حضور در جبهه مردد شده بود، موضوع را با مرحوم آقای عسگراولادی در میان گذاشت. آقای عسگراولادی هم این موضوع را با امام(ره) مطرح کرده بودند. شنیدن کلام امام(ره) او را به ماندن در بشاگرد مصمم کرد. امام(ره) فرمودند: «اکنون جبهه بشاگرد مهم‌تر است. ما در بشاگرد به حول و قوه الهی یاران خوبی از امام‌زمان(عج) خواهیم داشت.» مرحوم حاج عبدالله والی، قیبل از انقلاب در خیره به نامن الحجج(ع) با خیران بسیاری در

اردوهای جهادی نامید. او در طول ۲۳سال حضورش در بشاگرد، جزو خانواده اهالی آنجا به‌شمار می‌آمد. خانواده مرحوم والی به درخواست خودشان، چندین بار او را در این سفر همراهی کردند و طعم شیرین حرکت جهادی و همشین‌شدن با مردم بی‌ریا و قدرشناس بشاگرد را چشیدند. در آستانه هجدهمین سالگرد درگذشت حاج عبدالله والی شنیدن خاطرات سفر به بشاگرد و زندگی مشترک با مردی که خود را وقف کمک به مناطق محروم کرده بود از زبان همسر ایشان، خالی از لطف نیست.

حتی دست‌رسی به پز شسک و در مانگاه هم نداشتند. از داروهای سنتی که داشتند و در منطقه پیدا می‌شد برای تسکین درد یا درمان بیماران استفاده می‌کردند. بعدها وضعیت کمی بهتر شد؛ ما هم چندین بار دیگر به بشاگرد رفتیم. یک روز حاج‌آقا گفتند که مهمان داریم و در همان لحظه هلی‌کوپتری بر زمین نشست و فرد مسئولی که برای بررسی وضعیت دارویی و درمانی منطقه آمده بود از

هلی‌کوپتری که بیشتر از ۳ساعت نمی‌توانست توقف داشته باشد، پیاده شد و من از آنها پرسیدم که از کجا آمده‌اند؟ و جواب دادند که از بندرعباس. گفتم کاش این مسافت نزدیک را با هلی‌کوپتر نمی‌آمدید و از سختی‌های این جاده باخبر می‌شدید. آنها برای بازدید از منطقه رفتند و زمانی که بازگشتند هلی‌کوپتر رفته بود. آن مسئول هلال‌احمر به من گفت حاج‌خانم به آرزویتان رسیدید و این مهمانسان باید از راه زمینی برگردند.

دلنگنی بچه‌ها

اوایل که حاج‌آقا به بشاگرد می‌رفت، گاهی می‌شد ۴–۳ماه او را نمی‌دیدیم. و از حالش خبر نداشتم. بچه‌ها کوچک بودند و دلنگ می‌شدند. سخت بود اما با توکل به خدا و با علم به اینکه حاج‌آقا مشغول کار جهادی و رسیدگی به منطقه‌ای محروم هستند، آرام می‌شدم و



حاج عبدالله والی، مسئول کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و نماینده امام در منطقه محروم بشاگرد بود. او در اواخر سال ۱۳۳۷ به‌دنیا آمد. در سال ۱۳۶۱ طی مأموریتی از سوی نماینده ولی‌فقیه و سرپرستی کمیته امداد امام‌خمینی(ره) برای فقر زدایی

به بشاگرد هرمزگان رفت و در مدت ۲۲سال در آنجا خدمات ارزنده‌ای در انجام داد. از اهم خدمات مردم‌محور والی می‌توان به ساخت راه‌های ارتباطی، ساخت مساجد، مدارس و دبیرستان‌ها، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی، ایستاد مراکز فرهنگی و ورزشی، ساخت حوزه علمیه، آموزش و تربیت نیروهای فنی و حرفه‌ای و… اشاره کرد. او به‌عنوان نماد مدیریت جهادی شناخته می‌شود و یکی از گسترش‌دهندگان اردوهای جهادی به‌حساب می‌آید که در ۸ اردیبهشت ۱۳۸۴ در ۵۷سالگی درگذشت.

تا خمینی‌شهر

مرحوم والی و همرا هانش پس از سفر به منطقه بشاگرد در نوروز سال ۱۳۶۱، با شرایطی مواجه می‌شوند که نمی‌توانند آن را باور کنند. دیدن مردمی که در گوشه‌ای از این خاک در حال زندگی‌کردن هستند و گویی صدها سال با تهران و پایتخت‌نشینان فاصله دارند و محرومیت خود را به هر شکلی نشان داده‌است. همین شرایط مسبب می‌شود تا مرحوم والی آستین‌ها را بالا بزد برای ساختن «خمینی‌شهر». کتاب «تا خمینی‌شهر» که توسط انتشارات صهبا چاپ شده به شرح زندگی و فعالیت مجاهدانه مرحوم عبدالله والی می‌پردازد و نمونه‌ای است از شیوه زندگی مجاهدانه در راه خدا که بر مبنای شعارهای جهادی انقلاب اسلامی شکل گرفته‌است. این کتاب در بخش‌های مختلف خود روایتی مستند از زندگی خانوادگی و نیز اجتماعی و فردی را به تصویر می‌کشد که یکی از جهادگران حقیقی فرخاسته از انقلاب اسلامی بوده و برای آبادانی منطقه بشاگرد و در پی درخواست حضرت امام(ره) در این زمینه، تمام زندگی خود را وقف این مسئله می‌کند. «تا خمینی‌شهر» حاصل تلاش‌های محققان مؤسسه جهادی است که در قالب مصاحبه با نزدیکان مرحوم حاج عبدالله والی، بررسی اسناد مکتوب و تصاویری شامل فیلم و عکس‌های برجای مانده از وی تدوین و منتشر شده‌است.

در این کتاب می‌خوانیم که مرحوم حاج عبدالله والی، مؤسس اردوهای جهادی توانست با گروه‌های متشکل از طلاب، دانشجویان و نیروهای مردمی و متخصص، حال و هوای بشاگرد را تغییر دهد. با ساخت مدرسه و حوزه علمیه، بسیاری از جوانان فرصتی برای تحصیل پیدا کردند، راهی دانشگاه شدند، پزشکی و مهندسی شدند، درس‌طبیگی را فراگرفتند و در همان بشاگرد خدمت کردند. مردمی‌بودن، ایمان و اعتقاد به خدا، خلوصی و به‌ذنیال‌نام و شهرت‌نبودن از ویژگی‌های مرحوم والی است؛ جهادگری که نامش همچنان در یاد و خاطر اهالی بشاگرد به یادگار مانده‌است. کتاب تا خمینی‌شهر با نثری روان و ساختاری منسجم مخاطب را به منطقه‌ای می‌برد که پیش از حضور مرحوم والی، از آن باعنوان «بیابان فراموشان» یاد می‌شد. زندگی مجاهدانه و نستوه والی و هم‌راهانش برای جامعه عمل‌پوشاندن به یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی، از نقاط قوت این کتاب است.

راهنما

چند نکته کارساز

بهناز عسگری

کارشناس علوم حوزوی



شما که دوست دارید همسر تان فردی علاقه‌مند به دین و اهل‌نماز و ایمان شود، اولاً رابطه اخلاقی و عاطفی را در بین خود و همسر تان تقویت کنید و به ایشان مهر بورزید. به مسافرت و تفریح بروید تا ایشان را مدیون خود کنید و سپس وی را به تدریج و غیرمستقیم به مسائل معنوی و دینی هدایت کنید.



یادمان باشد همسر آزرده شریک خوبی برای زندگی نیست. همسر خود را نیازآزید و بی‌ه‌جای آن به هم محبت کنید. همسری که محبت دیده، شریک خوبی برای شما خواهد شد. برای ایجاد محبت بین خود و همسر تان باید خواسته او را مهم بدانید و نیاز خود را بر تر نیبندید. وقتی بیمار است به او توجه کنید و بی تفاوت نباشید. وقتی مشکلی برایش پیش می‌آید خدای ناکرده عزیز را از دست می‌دهد یا ورشکست شده به او آرامش دهید نه اینکه با زبان کنایه او را بیازارید و تو قعات بی‌جا داشته باشید. یادمان باشد بین خود و همسر تان باید این هنر نیست که وقتی اوضاع بر وفق مراد است با همسرمان خوب رفتار کنیم. بلکه هنر آنجاست که وقتی همسر تان به شما نیاز دارد در کنارش باشید.



بهترین روشی که از سوی معصومین(ع) برای عمل دگرگان به راه خدا معرفی شده این است که خودمان با اشتیاق و علاقه به احکام دینی اسلام عمل کنیم و همیشه به دستورات دینی بایبند باشیم. در واقع با عمل خود دگرگان را به انجام امور مذهبی تشویق کنیم.

بمعرفت توبه کنیم

مژگان مهربانی

یادداشت

روزنامه‌نگار

برای بازگشت به‌سوی خدا هیچ وقت دیر نیست

چندپله‌تا

ماندگار کردن توبه

ماجرای توبه‌به‌نصوح راهمه ما شنیده‌ایم. کسی که بارها توبه شکست و باز از خدا مهلت گرفت که دیگر به سراغ گناه نرود. زندگی خیلی از ما انسان‌ها حکایت‌نصوح را دارد. مرتب مرتب خطا می‌شویم و پس از پشیمانی به در گاه خدا عجز و لایه کرده که دیگر به سراغ گناه نمی‌رویم. اما باز وقتی در شرایط آن قرار می‌گیریم عهد و پیمان‌مان با خدا را فراموش کرده و دوباره راه اشتباه را از سر می‌گیریم. اینکه بتوانیم توبه ماندگاری داشته باشیم خود یک هنر است و برای تحقق آن باید قواعدی را رعایت کنیم. در این باره با حجت الاسلام مختار نوبختی، کارشناس مذهبی گفت‌وگومی‌کنیم.

تأثیر گناه در زندگی

گناه، تیرگی و تباهی می‌آورد. انسان را به گمراهی می‌کشاند. مهم‌ترین تأثیرش هم سلب لذت مناجات با خداست. وجود گناه این‌اجازه را نمی‌دهد تاانسان باخدای خود راز و نیاز کند.میل و رغبتش به‌نماز و دعاکم می‌شود.شاید اگر ساعت‌ها مشغول کار و فعالیت باشد،خسته نشود اما به محض اینکه نیت‌نمازی کندبدنش سنگین شده و گویی کوهی را جابه‌جا کرده‌است؛ تا جایی که بعضی از عرفا گفته‌اند که اگر نماز صحت قضا شد بررسی کن که روز قبل کدام گناه را انجام داده‌ای؟ از دیگر اثرات مخرب گناه از دست دادن نعمت‌های الهی و نزول بلاست؛ چرا که گناه از دیدگاه‌المهم(ع) نوعی کفران نعمت محسوب می‌شود.

از رحمت خدا مأیوس نشوید

توبه یعنی بازگشت به‌سوی خدا، یا به‌عبارت دیگر راهی برای جبران خطاهای انجام شده که خدا به سبب مهربانی‌اش آن را برای بنده‌اش قرار داده است تا مبادا او را برای کفرانی که کرده تنبیه کند. خدای رحمان در قرآن می‌فرماید: «بندگان من که بر زبان خویش اسراف کردید از رحمت خدا مایوس نشوید. زیرا خدا همه گناهان را می‌آمرزد. اوست آمرزنده مهربان.» این نکته مسلم است که خدای متعال مخلوقات خود را بسیار دوست دارد و راضی نیست بنده‌اش راه خطا برود. داور یکتافرصت‌های زیادی را بر سر راه بندگانش قرار داده تا برگردند و توبه کنند. او مشتاق توبه و پشیمانی بنده‌اش از گناه‌است و دوست دارد همه را پاک از گناه ببیند.

چه کنیم که توبه‌مان قبول شود؟

گام اول برای پذیرش توبه اثبات صداقت در بندگی است که با انجام واجبات و ترک محرمات می‌توان آن را نشان داد. چه خوب که انسان اگر در محضر خداشنیاهی انجام داد، توبه کرده و مراقب اعمالش باشد. به اعتقاد حجت‌الاسلام نوبختی، کارشناس مذهبی کسی که مرتکب اشتباه می‌شود از ۲ حالت خارج نیست. یکی چهل و غفلت و دیگری ضعف است. جهل به این معنا که نمی‌داند کاری که انجام می‌دهد خطاست و مطلع نیست عواقب زاینان را چه تأثیر مخربی در زندگی و رزق و روزی‌اش دارد. یکی اولادایی که توفیق توبه کردن را از ما سلب می‌کند برفتاری با پدر و مادر است. احترام به والدین کفره گناهان است و رحمت الهی را بر مانازل می‌کند.

ذکر استغفرالله برای پشیمانی از گناه کافی نیست. توبه اگر با معرفت نباشد ماندگاری ندارد. کسی که گناه می‌کند یا جاهل است یا غافل که بر‌ای هر ۲توجه راه در نمی‌آورد وجود دارد. به اعتقاد حجت‌الاسلام نوبختی کسی که از روی ناآگاهی دروغ می‌گوید واقف نیست که دروغ چه اثر زاینباری در زندگی‌اش دارد. مطالعه روایت و احادیث می‌تواند او را آگاه کند. نوبختی می‌گوید: «گاهی اوقات اگر غذای مسوم‌ی جلوی ما بگذارد، از آن نمی‌خوریم؛ چون اطلاع داریم آوده‌است. بعضی مال شیشه‌دار می‌خورند و اثرات آن را نمی‌دانند که اگر نسبت به این مسئله واقف شوند پر خیر می‌کنند.» اما گاهی انجام گناه بر اثر ضعف هوای نفس است. امکان دارد انسان علم و آگاهی داشته باشد ولی حریف نفسش نشود. در این حالت توصیه می‌شود روح خود را برای مبارزه با وسوسه‌های شیطانی قوی کند و تقویت روح میسر نمی‌شود مگر با عبادت و انجام عمل صالح.

خودمان را تنبیه کنیم

یکی از روش‌های توبه به‌گفته میرزا ملکی تبریزی جبران گناه با خوبی است. اگر غیبت می‌کند خود را ملزم کرده تا برای شخص غیبت‌شونده قرآن یا دعا بخواند. در نهج البلاغه آمده تقوا پیشه کنید. این خطاب به کسانی است که تازه به‌سوی خدا توبه کرده‌اند. یعنی انسان نباید بل‌های پشت سر خود را خراب کند. خواندن نماز سرانجام انسان را از مسیر اشتباه بازمی‌گرداند. بعضی وقتی مرتکب گناه می‌شوند رابطه خود با خدا را قطع می‌کنند در صورتی که نماز بهترین راه برای بازگشت است و خدا حتی بندگان گناهکارش را هم دوست دارد.

توبه چه کسانی قبول نمی‌شود؟

انسان تا زمان زنده بودنش، درهای توبه به روی او باز است. اما گاهی موانعی بر سر راه است که اجازه قبولی توبه را نمی‌دهد. توبه در مورد گناهانی که مربوط به حق الناس است. در اینجا مردمی که صاحب حق هستند باید از شخص راضی شوند و تا آنها راضی نشوند توبه فایده‌ای ندارد. زیرا خداوند بیرون برود و قدم بزند؛ قیاس از حقوق تعیین کرده و آن را محترم شمرده‌است و تعدی به آن حقوق را ظلم می‌داند.

^[1] همسر خود را نیازآزید و بی‌ه‌جای آن به هم محبت کنید

^[2] همسر تان فردی علاقه‌مند به دین و اهل‌نماز و ایمان شود

^[3] همسر تان فردی علاقه‌مند به دین و اهل‌نماز و ایمان شود

^[4] همسر تان فردی علاقه‌مند به دین و اهل‌نماز و ایمان شود

^[5] همسر تان فردی علاقه‌مند به دین و اهل‌نماز و ایمان شود